

گذری

بر سیر تحول تهیه مقیاس‌ها

در سنجش نگرش مذهبی

اثر: دکتر محمد خدایاری فرد

استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

و دکتر باقر غباری بناب

و دکتر محسن شکوهی یکتا

(از ص ۲۰۳ تا ۲۲۰)

چکیده:

الگوی پژوهش در روان‌شناسی مذهب از الگوی عمومی پژوهش علمی، یعنی داده‌یابی و داده‌پردازی، تبعیت می‌کند. در این‌گونه تحقیقات از روش‌های متعددی از جمله تحقیق آزمایشی، مشاهده، خودگزارشی و پرسشنامه‌ای، میدانی، روش‌های فراقکن و غیره استفاده می‌شود. بیشترین حجم مطالعات انجام شده در اندازه‌گیری نگرش مذهبی به روش پرسشنامه اختصاص دارد؛ به‌طوری که براساس آن مقیاس‌های متعدد نظرسنجی ساخته شده است. از آن جمله می‌توان به مقیاس‌های ترستون، لایکرت، گاتمن، آلپورت، فالکنر و دیونگ اشاره کرد. روش تحلیل عاملی از زمره روش‌های معتبر برای بررسی ساختار ابزارهای سنجش روانی از جمله پرسشنامه‌های نگرش سنج است که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی، نگرش مذهبی، مشاهده، پرسشنامه،

مقیاس.

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در مطالعات روان‌شناسی مذهب این است که آیا اصولاً مطالعه علمی مذهب ممکن است؟ گرچه مطالعه ماهیت و محتوای مذهب، از نظر علمی چندان معقول به نظر نمی‌آید، بررسی و پژوهش درباره رفتارها و نگرش مذهبی میسر است. الگوی پژوهش در روان‌شناسی مذهب نیز از الگوی عمومی پژوهش علمی یعنی داده‌یابی و داده‌پردازی تبعیت می‌کند. اما در مسایل مذهبی یافتن داده‌های معتبر و پایا مهم است که از قابلیت تکرارپذیری و عینی بودن برخوردار بوده و در عین حال متناسب با هدف و آرمان پژوهشگر نیز باشند. مثلاً اگر پژوهشگر به دنبال یافتن ارتباط فرد با خدا می‌باشد، رفتارهای مذهبی ناشی از تظاهر و نفاق را اشتباهی بجای رفتارهای خالصانه مذهبی ناشی از تفکر درج نکند. این امر از یک بحث عمقی و در عین حال بسیار حساس در روش‌شناسی و اعتبار و روایی روش داده‌یابی در تحقیقات مذهبی حکایت می‌کند. در واقع این پرسش مطرح است که تا چه اندازه تحقیقات مذهبی در کشورهایی که نظام سیاسی مذهبی دارند و رفتارهای مذهبی در آن جوامع ارزش تلقی می‌شوند دارای اعتبار علمی است و از چه راه‌هایی و چگونه می‌توان اعتبار و روایی پرسشنامه‌های مذهبی را در این گونه جوامع بالا برد. هرچند که می‌توان گفت روش‌شناسی روان‌شناسی مذهب مقوله‌ای انحصاری و اختصاصی نیست، بلکه رهیافتی مبتنی بر اصول تحقیق علمی است. ولی این تحقیقات ظرافت و دقت‌های مخصوصی را می‌طلبند که پژوهشگر مبتدی شاید نتواند به راحتی از عهده آن‌ها برآید. علاوه بر تهیه جوّ اعتماد در پاسخ دهندگان و تضمین آزادی، آگاهی، و خواست مراجعان، لازم است از روش‌های غیرمستقیم برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به رفتارهای مذهبی سود جست، هرچند که روشهای مستقیم از قبیل پرسشنامه و چک لیست نیز به وفور در تاریخ مطالعات مذهبی به کار گرفته شده است. نگاهی گذرا به سیر تحول مقیاس‌ها و روش‌های سنجش نگرش مذهبی این نکته را هویدا می‌کند که تحول و تکوین این مقیاس‌ها تابع عواملی بوده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) کشف مدل‌های پیچیده آماری از قبیل تحلیل عاملی و پیشرفت مدل‌های معتبر روانسنجی و تست‌سازی.

ب) شناخت رفتارهای مذهبی با ابعاد دقیق و فراگیر آن که در اثر پیشرفت روان‌شناسی مذهب حاصل شده است.

ج) تحول و پیشرفت مدل‌های تبیین‌کننده رفتارهای پیچیده انسان. مقیاسها و اندازه‌های اولیه بسیار ساده بوده و از چند سؤال در مورد مناسک و رفتارهای روزمره فرد (مثل رفتن به کلیسا) تشکیل شده بودند، در حالی که مقیاس‌های نهایی از پیچیدگی تئوریک و ویژگی‌های روانسنجی خاصی برخوردار بوده‌اند. مطالعه تاریخ تحول ابزارهای سنجش نگرش، اعتقادات، و اعمال و رفتارهای مذهبی اطلاعات بسیار ذقیمتی را در رابطه با تحول این ابزارها در اختیار پژوهشگر می‌گذارد.

مقاله حاضر به معرفی برخی از روش‌های پژوهشی که در رشته‌های مختلف روان‌شناسی به کار برده می‌شوند و در روان‌شناسی مذهب نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، اهتمام دارد. روش‌های پژوهشی مورد بررسی عبارتند از: روش‌های تحقیق آزمایشی؛ روش‌های مشاهده؛ روش‌های خودگزارشی (self-report) و پرسشنامه‌ای؛ روش‌های میدانی؛ روش‌های فرافکن و روان‌تحلیل‌گری.

۱. روش‌های مشاهده

بازنگری مطالعات انجام شده در خلال صد سال گذشته نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین روش گردآوری داده‌ها در نگرش مذهبی عبارت بوده است از شمارش افرادی که عضو گروه‌های مذهبی بوده‌اند، مانند شمارش افرادی که به کلیسا می‌روند، ثبت زمان ورود آنها به کلیسا، و مجموعه کارهایی که آنها در آنجا انجام می‌دهند (آپورت (Allport)، ۱۹۳۴، به نقل از براون (Brown)، ۱۹۸۷). در این مورد می‌توان به پژوهش آرچیل (Argyle) و هالاومی (Hallahmi) (۱۹۷۵) اشاره کرد. آنها روش خود را با مشاهده حضور افراد در کلیسا در روزهای یکشنبه،

خواندن کتاب مقدس و ادعیه آغاز کردند.

پژوهشگران با به‌کارگیری روش‌های مستقیم و غیرمستقیم به مشاهده و سنجش نگرش‌های مذهبی می‌پردازند (کوک (Cook) و سلتیز (Seltiz)، ۱۹۶۴). در روش‌های مستقیم، آزمودنی‌ها پاسخ‌های مورد انتظار آزمونگران را برمی‌گزینند و در نتیجه پاسخ‌های واقعی را ارائه نمی‌دهند؛ حال آن‌که روش‌های غیرمستقیم فاقد این کاستی است. براون و پالانت (Pallant)، (۱۹۶۲) در تحقیقات خود گزارش کردند که نگرش‌های بیان شده و یا پاسخ‌های ارائه شده به گزاره‌های سنتی مذهب، می‌تواند تحت تأثیر آزمونگران و نوع بافت و زمینه مطالعه آن‌ها تغییر کند. مثلاً اگر آزمونگر لباس روحانی بر تن داشته باشد، بر نوع پاسخ آزمودنی‌ها اثر می‌گذارد (پالون (Pallone)، ۱۹۶۶). در واقع این امر دلالت بر هماهنگی بین پاسخ‌های آزمودنی‌ها و آزمونگران دارد. در مورد آزمودنی‌هایی که گزارشگر مذهبی دارند این امر بیشتر صدق می‌کند، چراکه آن‌ها می‌کوشند خود را با ارزش و نگرشی که مورد تأیید آزمونگر و جامعه است هماهنگ سازند. یکی از راه‌حل‌های کاهش پاسخ‌های غیرواقعی، ولی مورد انتظار، بهره‌گیری از روش‌های ناآشکار و یا روش‌هایی است که واکنش خاصی را در افراد برنمی‌انگیزند.

۲. روش‌های خودگزارشی و پرسشنامه‌ای

پرسشنامه‌های اولیه استفاده از پرسشنامه در شمار قدیمی‌ترین روش‌های مطالعه در روان‌شناسی مذهب است. بنا بر بررسی کلاسنر (Klausner) (۱۹۶۴) اکثر مطالعات انجام گرفته در این زمینه در فاصله دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، در آمریکا، با بهره‌گیری از پرسشنامه صورت گرفته است که شامل ۴۶ درصد از این تحقیقات می‌شود. به طور کلی پرسشنامه‌های مورد استفاده به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند. پرسشنامه‌های کوتاه معمولاً مشتمل بر یک یا دو پرسش مانند «غالباً چه قدر به کلیسا می‌روید؟» است. پرسشنامه کوتاه استارباک (Starbuk) (۱۸۷۹) پرسشنامه‌ای قدیمی است که تغییرات مذهبی افراد را در طول دوران

رشد مورد سنجش قرار می‌دهد (براون، ۱۹۸۷).

از دیگر پرسشنامه‌های قدیمی می‌توان پرسشنامه لوبا (Leuba) (۱۹۱۶) را نام برد. لوبا در ابتدا از کتاب "دانشمندان امریکایی (American men of science)" فهرستی از دانشمندان مشهور در رشته‌های مختلف علمی تهیه کرد. سپس با مشارکت همکاران، آن دانشمندان را از نظر شهرت رتبه بندی کرد. و بدین ترتیب آن‌ها را در دو گروه با اشتها بالا و با اشتها پایین قرار داد. سپس وی از هر رشته علمی تعدادی را به تصادف برگزید و پرسشنامه ساده‌ای را برای آن‌ها ارسال کرد. او در پرسشنامه ارسالی از دانشمندان منتخب پرسید، آیا آن‌ها به خداوندی اعتقاد دارند که از او انتظار دارند در صورت دعا و توسل دعایشان را مستجاب کند و پاسخی از او دریافت دارند. لوبا در توضیح منظور خود از «دریافت پاسخ دعا» افزوده بود: «منظور من از دریافت پاسخ و استجاب تنها اثر طبیعی و ذهنی - روانی دعا در دعا کننده نیست، بلکه فراتر از آن است». آزمودنی‌ها می‌توانستند به پرسش لوبا جواب بلی داده و یا این‌که یکی از پاسخ‌های زیر را برگزینند: «من به خدایی که آن را تعریف کرده‌ای، اعتقاد ندارم»؛ «من پاسخی قطعی ندارم». پرسش دیگر لوبا در پرسشنامه مذهبی این بود که آیا آزمودنی‌ها به زندگی پس از مرگ معتقدند؟

بررسی پاسخ‌ها نشان داد که پرسشنامه لوبا دارای محدودیت‌هایی است که برخی از این محدودیت‌ها در حاشیه پرسشنامه‌ها و نامه‌های پیوست آن به لوبا عودت شده بودند. مثلاً یکی از پاسخ دهندگان در نامه‌اش به لوبا نوشت: «من به خداوند، دعا و اثر آن اعتقاد دارم، ولی نه به نحوی که شما از من سؤال کرده‌اید» (لوبا، ۱۹۱۶، ص. ۲۳۵).

گورساج (Gorsuch) (۱۹۸۴) مدعی شده است که پرسشنامه‌های کوتاهی که پرسش‌های آن به دقت تهیه شده‌اند، می‌توانند به اندازه پرسشنامه‌های بلند مؤثر باشند. با این حال هر اندازه تعداد پرسش‌های پرسشنامه افزایش یابد، پایایی و روایی آن بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، تنوع پرسش‌ها در پرسشنامه موجب می‌شود که پرسشگر با طرح سؤالات مختلف و از جواب‌ها گوناگون نظر خود را به پاسخگو تفهیم کند. ناگفته نماند، در

پرسشنامه‌های بلند امکان کاربرد روش تحلیل عاملی وجود دارد و این امتیازی برای پرسشنامه‌های بلند محسوب می‌شود (وولف، ۱۹۹۱). (Wulf)

علاوه بر پرسشنامه، مقیاس‌های نگرش سنج در زمره ابزارهای سودمند در بررسی نگرش مذهبی به شمار می‌آیند. هدف از این مقیاس‌ها این است که نوعی اندازه کمی از جایگاه نسبی فرد روی پیوستار یک بعدی نگرش ویژه‌ای به دست آید. در این حیطه، تلاش‌های ترستون و همکاران نقطه عطفی در زمینه ساختن مقیاس‌های نگرش سنج قلمداد می‌شود. در سطورى که در پی می‌آید، مروری بر پاره‌ای از مقیاس‌های نگرش سنج مذهبی داریم.

مقیاس‌های ترستون

ترستون و چاو (Thurston & chav) (۱۹۲۹) نظر افراد بسیاری را در مورد مذهب و رفتن به کلیسا جویا شدند و این نظرات را در ۱۳۰ جمله خلاصه کردند. سپس این ۱۳۰ جمله را در کارت‌های جداگانه نوشته و به ۳۴۱ نفر دادند تا آن‌ها را از لحاظ گویا بودن و همچنین قابل فهم بودن طبقه بندی کنند. همه این اظهارنظرها از نظر میزان قابل فهم بودن به یازده دسته طبقه بندی شدند. سپس با رتبه بندی ۳۰۰ نفر داور ارزش هر کدام از گزاره‌ها مشخص شد. از داوران دیگری که ۳۰۰ نفر و معادل با گروه اول بودند، خواسته شد تا مشخص کنند که آن گزاره‌ها نمایانگر احساسات و عقاید آن‌ها می‌باشند یا خیر. پاسخ ۳۰۰ نفر اخیر مبنایی شد تا ارتباط هر ماده با ماده‌ای دیگر و هماهنگی بین سؤالات اندازه‌گیری و به عنوان شاخصی از تناسب سؤالات با موضوع در نظر گرفته شود. حاصل نهایی این اقدامات به تدوین پرسشنامه‌ای ۴۵ سؤالی انجامید. ارتباط ماده‌های پرسشنامه با همدیگر و با کل آزمون در سطح بالایی بوده و با استفاده از روش دونیمه کردن ضریب پایایی آزمون محاسبه شد. مقدار ضریب پس از تصحیح به روش اسپیرمن - براون (Spierman - Brown) و روش گاتمن (Gutman) به ترتیب برابر با ۰/۹۴ و ۰/۹۲ بود. این ضرایب نشان می‌دهد که آزمون از ثبات و همسانی درونی بالایی برخوردار است.

روایی این آزمون از طریق محاسبه همبستگی بین نمرات پرسشنامه و گزارش میزان حضور آزمودنی‌ها در کلیسا (تعداد دفعات حضور در مدت زمان‌های معین) محاسبه و در حد بسیار بالایی گزارش شد (وولف، ۱۹۹۱).

ترستون و چاو با استفاده از روشی مشابه روش بالا، چند مقیاس دیگر ساخته و منتشر کردند که روان‌شناسان مذهبی از آن‌ها استفاده می‌کنند. از میان این مقیاس‌ها می‌توان به پنج فرم مختلف «مقیاس نگرش به خدا» (Scale of attitude toward God) اشاره کرد که مربوط می‌شوند به مفهوم خدا از نظر افراد، اعتقاد به واقعی بودن خدا، باور به این که اعتقاد به خدا در اعمال و رفتار انسان اثر می‌گذارد و همچنین دو شکل مختلف نگرش نسبت به کتاب مقدس (attitude toward the Bible) (چاو، ۱۹۳۹).

مقیاس‌های لایکرت (Likert)

تدوین مقیاس ترستون مستلزم کار بسیار بوده است. به کارگیری داوران متعدد به عنوان ضابطه تشخیص و تصمیم‌گیری خالی از دشواری نیست. روش لایکرت گرچه ممکن است کمبودهایی داشته باشد، اما مسلماً دشواری آن کمتر از روش ترستون است. به علاوه، کشف این حقیقت که مقیاس‌های لایکرت با مقیاس‌های ترستون به خوبی همخوانی دارد، باعث افزایش کاربرد مقیاس لایکرت شده است. توجه خاص لایکرت معطوف به تجانس بود، یعنی کسب این اطمینان که همه عبارات یک ویژگی را اندازه می‌گیرند. افزون بر آن، لایکرت مصمم بود تا از داوران استفاده نکند. به این منظور از افراد نمونه مقدماتی می‌خواست که موضع خود را نسبت به هر عبارت، روی پیوستار نگرشی ۵ درجه‌ای شامل «کاملاً موافق»، «موافق»، «نامصمم»، «مخالف»، «کاملاً مخالف» مشخص کنند. برای نمره‌گذاری این ۵ موضع می‌توان ارقام ساده ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ (یا ۴-۰) را برگزید. البته لایکرت این نحوه نمره‌گذاری را پس از اثبات امتیاز آن نسبت به نمره‌گذاری‌های پیچیده‌تر، اتخاذ کرد (ارپنهایم (Oppenheim)، ترجمه کریم نیا، ۱۳۶۹).

باست و همکاران (۱۹۸۱، به نقل از براون، ۱۹۸۷) نیز مقیاسی را گزارش کردند که به منظور تمایزگذاری بین مسیحیان و غیرمسیحیان طراحی شده بود و آن را «مقیاس شفرد» (Shepherd) نامیدند. هر ماده از این مقیاس باتوجه به متن کتاب مقدس تهیه شده است. مواد این مقیاس هم باورها و هم رفتارها را شامل می‌شود. برخی از مواد این مقیاس عبارتند از: «من حضور خداوند را در زندگی شخصی ام، باور دارم» یا «به خاطر عقیده و التزام شخصی ام به عیسی مسیح، زندگی جاودان خواهم داشت» و یا «از این که اوقاتم را با دیگر مسیحیان معتقد بگذرانم، لذت می‌برم» یا «کردار و گفتار من بایست انعکاسی از تعالیم مسیح باشد». در مجموع این مقیاس از پایایی آزمون مجدد (test-retest reliability) معادل با ۰/۸۲ و نیز پایایی تصنیف (split - half reliability) برابر با ۰/۹۰ و آلفای ۰/۸۶ برخوردار است.

۳. روش‌های میدانی

مشاهده میدانی (field observation) در زمره روش‌های قدیمی است که هنوز از اعتبار کافی برای مطالعه مذهب برخوردار می‌باشد. در این روش رفتار در محیط طبیعی و واقعی مورد مشاهده قرار می‌گیرد (ربر (Reber)، ۱۹۸۵؛ افست، ۱۳۶۸). کلاسنر (۱۹۶۴) بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ در ایالات متحده را مورد بررسی قرار داد. او متوجه شد که روش مشاهده میدانی، ۹ درصد از حجم کل مطالعات را در این زمینه به خود اختصاص داده است.

۴. روش‌های تحقیق آزمایشی

با مرور پژوهش‌های انجام گرفته با روش تحقیق آزمایشی در قلمرو مذهب می‌توان به مطالعه مارانل (Maranell) (۱۹۷۴) اشاره کرد. او الگویی از مذهب با هشت بعد مستقل (جهت‌گیری‌های کلیسا محوری) (church orientation)، نوع پرستی (ritualism)، سنت‌گرایی (fundamentalism)، یکتاپرستی (theism)، آرمان‌گرایی (idealism)، موهوم

پرستی (superstition) و تصوف (mysticism) ارائه داد. مارانل دریافت که نمرات سنت گرایبی و آرمان‌گرایی با تکبر اجتماعی افزایش یافتند؛ حال آن‌که افراد تلقین‌پذیر و انعطاف‌ناپذیر سنت‌گرا بودند و آرمان‌گرایان تلقین‌ناپذیر با نمرات بالایی در سنت‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری ادراکی داشتند.

۵. روش‌های فرافکن و روان‌تحلیل‌گری

در نظریه روان‌تحلیل‌گری با استفاده از آزمون‌های فرافکن (projective tests) ریشه و ماهیت مذهب بررسی می‌شود. آزمون‌های فرافکن بر این فرض استوارند که محرک‌های مبهم موجب می‌شوند که آزمودنی ناهشیارانه انتظارات، آرزوها، ترس‌ها، تمایلات و علایق نهانی خود را بروز دهد. در این آزمون‌ها معمولاً از محرک‌های بدون ساختار (مثل لکه‌های جوهر پخش شده) استفاده می‌شود. گودین (Godin & Coupez) و کوپز (Coupez) (۱۹۷۵) در بررسی‌های خود از عکس‌های مربوط به صحنه‌های مذهبی استفاده کردند.

ارزیابی واکنش آزمودنی‌ها در قبال ارائه کلماتی که بار مذهبی داشتند (بدون این که در ابتدای آزمون صحبت خاصی از مذهب صورت گیرد) از دیگر روش‌های غیرمستقیم در سنجش نگرش مذهبی است (مالونی (Malony)، ۱۹۷۷).

امبری (Embree) (۱۹۷۳) در بررسی مذهب از فرایند تداعی آزاد به شیوه یونگ (Jung) استفاده کرد و نتایج آن در مجله مطالعات علمی مذهب (Journal for the scientific study of religion) نیز درج شد. کارت‌های آزمون رورشاخ، پیشتر در مطالعات روان‌شناسی مذهب مورد استفاده قرار گرفته بودند (لارسن (Larsen) و ناپ (Knapp)، ۱۹۶۹). آزمون اندریافت موضوع (thematic apperception test) که مورای (Murray) آن را تدوین کرد و گودین و کوپز (۱۹۷۵) در آن تجدیدنظر کردند، به عنوان الگوی تصاویر فرافکن، جهت مطالعه مذهب مورد استفاده قرار گرفته است. گولدمن (Goldman) (۱۹۶۴) به نقل از براون، (۱۹۸۷)، از جملات ناتمام جهت تعبیر و تفسیر

داستان‌های کتاب مقدس به منزله آزمونی غیرمستقیم بهره جست. در مطالعات روان‌شناسی مذهب استفاده از این‌گونه روش‌های غیرمستقیم، دیگر کاربرد چندانی ندارد، چرا که امروزه تأکید و توجه روان‌شناسی به فرایندهای شناختی هشیار متمرکز شده است. به جز موارد ذکر شده که عمدتاً مربوط به چگونگی داده‌یابی در پژوهش‌های روان‌شناسی مذهب است، نوپردازی‌هایی در روش‌های پژوهشی روان‌شناسی مذهب انجام گرفته است، از جمله، روش تحلیل عاملی که رهیافت ویژه‌ای در تحلیل داده‌ها جهت اکتشاف و استخراج ساختارهای روانی انتزاعی است.

تحلیل عاملی و چندمحوری بودن اعتقادات مذهبی

تحلیل عاملی یکی از روش‌های معتبر برای بررسی ساختار ابزارهای سنجش روانی از جمله پرسشنامه‌های نگرش سنج است. با کمک رایانه، می‌توان با تحلیل همبستگی‌های موجود میان اجزا یا ماده‌های یک یا چند پرسشنامه و آزمون، ترکیب عاملی مواد یا آزمون‌ها را تعیین کرد. هر ضریب بار عاملی نشان‌دهنده ارتباط ماده‌ای از آزمون با عامل متغیر است که در ترکیب ساختاری پرسشنامه دخالت دارد. بالاخره با مشاهده دقیق موادی که بار عاملی معناداری در هر کدام از عوامل مربوط دارند و همچنین کشف نقطه مشترک مواد مورد نظر، می‌توان عامل‌های مؤثر را در واکنش به هریک از مواد پرسشنامه و در نهایت ابعاد تشکیل دهنده رفتار مورد سنجش تعیین کرد.

باتوجه به نوسانات بار عاملی هر ماده و توجه به محتوای رفتاری آن و مقایسه مواد مختلف با یکدیگر، می‌توان به تصویری روشن از محتوا و ترکیب عاملی آن ماده دست یافت و به این طریق به نام‌گذاری عامل‌ها، که در اصل پدیده‌های کمی و آماری هستند، نائل آمد. بدین ترتیب می‌توان به ترکیب عاملی یک مجموعه (پرسشنامه، آزمون و غیره)، پی برد (وولف، ۱۹۹۱).

جهت‌گیری مذهبی درون سو - برون سو (مقیاس آلپورت)

آلپورت دو نوع‌گرایی مذهبی را در آزمون خود تشخیص می‌دهد که عبارتند از گرایش مذهبی درون سو (intrinsic orientation) و گرایش مذهبی برون سو (extrinsic orientation). به تعبیر او، افراد با گرایش مذهبی برون سو، مذهب را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند. آن‌ها ارزش‌های بیرونی را همواره وسیله‌ای برای نیل به هدفی مورد استفاده قرار می‌دهند و هدف آن‌ها بهره‌مند شدن از منافع آن ارزش‌هاست. چنین افرادی احتمال دارد که بنا به دلایلی همچون به دست آوردن آرامش و امنیت روانی، ابراز خود در اجتماعات مذهبی، کسب و تحکیم مقام و موقعیت اجتماعی و شخصی، مذهب را سودمند تشخیص دهند.

افراد دارای گرایش درون سو، دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند. آلپورت ویژگی‌های این افراد را چنین برمی‌شمارد:

«این افراد انگیزه اصلی اعتقادات خود را به صورت انتزاعی از مذهب می‌دانند. نیازهای دیگر این افراد در درجه دوم اهمیت قرار دارد و عقاید و مذهب آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. آن‌ها برآورده شدن نیازهای درجه دوم خود را تحت اجرای اعتقادات مذهبی ممکن می‌دانند. افراد مذهبی با این گرایش می‌کوشند مذهب مورد اعتقاد خود را درونی بسازند و آن را تمام و کمال در زندگی خود اجرا کنند، و همه دستورات مذهبی را هر چه کامل انجام دهند. این‌ها افرادی هستند که با الگوی رفتاری و اعتقادی مذهبان زندگی می‌کنند» (آلپورت و راس (Ross)، ۱۹۶۷، ص. ۴۳۴).

آلپورت و شاگردانش سعی کردند مقیاس‌هایی تهیه کنند که بتواند این دو گرایش مذهبی را اندازه بگیرد. بعد از کوشش‌های اولیه ویلسون (Wilson) (۱۹۶۰، به نقل از وولف، ۱۹۹۱) که سعی می‌کرد فقط روند گرایش مذهبی برون سو را بسنجد، آلپورت و راس مقیاسی مشتعل بر ۲۱ ماده تهیه کردند که هر دو نوع‌گرایی را نسبت به مذهب می‌سنجید.

الگوهای چندبعدی (Multidimensional) باورها و رفتارهای مذهبی

بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مذهبی دیدگاه چندبعدی را در اعتقادات مذهبی تأیید می‌کنند. وون هوگل (Vonhugel) (۱۹۰۸، به نقل از وولف، ۱۹۹۱) سه جزء مهم را در مذهبی بودن تشخیص می‌دهد: الف) جزء سنتی یا تاریخی (Traditional or historical)، که عمدتاً به حواس، تجسم ذهنی و حافظه بستگی دارد و در دوران کودکی ایجاد می‌شود؛ ب) عقلانی یا نظام‌دار (Rational or systematic) که به همراه ایجاد توانمندی برای تفکر و اندیشه، توانمندی مباحثه و ایجاد تفکر انتزاعی به وجود می‌آید و در بردارنده ویژگی‌های منطقی و کلامی است؛ ج) شهودی و ارادی (Intuitive & volitional) که نمایانگر پختگی تجربیات درونی و اعمال بیرونی است. پرات (Prot) (۱۹۲۰، به نقل از وولف، ۱۹۹۱)، طبقه بندی دیگری نظیر طبقه بندی فوق را می‌پسندد، هرچند که او دو جنبه تشکیل دهنده جزء سوم الگوی وون هوگل را از هم متمایز ساخته و در الگوی چهارعنصری پیشنهادی خود آن را «جنبه‌های ویژه مذهب (Spicial aspects of religion)» می‌نامد. بدین ترتیب اجزای مذهبی بودن در الگوی پرات عبارتند از: سنتی، عقلانی، عرفانی (Mystical)، عملی و اخلاقی. گلاک (Glock) (۱۹۶۲، به نقل از وولف، ۱۹۹۱) تقسیم بندی دیگری از اجزای مذهبی بودن ارائه می‌دهد. الگوی گلاک شامل پنج جزء است: عبادتی (Dovotional)، منطقی و عقلی (Logicul & Rational)، ایدئولوژیکی (Ideology)، تجربی (Empirical) (احساسی) و پیامد و آثار (Consequential) (در زندگی). در حالی که اجزای تجربی و پیامدی گلاک ارتباط نزدیکی با جزء عرفانی و عملی پرات دارد؛ به نظر می‌آید که اجزای مناسکی، ایدئولوژیکی و عقلانی الگوی او اجزایی جدید هستند. حضور این اجزا، گویای بسط یافتگی بیشتر این الگو نسبت به الگوی وون هوگل است.

مقیاس فالکنر (Foulkner) و دیونگ (Dejong):

فالکنر و دیونگ اجزای پیشنهادی در الگوی گلاک را تعریف عملیاتی کردند. آن‌ها پنج

مقیاس تهیه کردند که در هرکدام چهار و یا پنج پرسش گنجانده شده و در مجموع شامل ۲۳ پرسش بود. آن‌ها در تهیه این مقیاس‌ها از روشی موسوم به تنظیم مقیاس تراکمی (Cumulative Scaling) استفاده کردند که اولین بار گاتمن (Gutman) آن را ابداع کرده بود (نونالی (Nunnally)، ۱۹۷۸). بنا بر روش گاتمن مواد آزمون بر حسب دشواری، پیچیدگی یا ارزش وزنی مرتب می‌شوند، به نحوی که از نظر معنایی و رفتاری، موافقت با تأیید یک ماده، موافقت با همه ماده‌های کم وزن‌تر را ایجاب می‌کند.

فالکنر و دیونگ در مطالعاتشان، همبستگی بین ۵ مقیاس مبتنی بر اجزای پنج گانه الگوی گلاک را، از ۰/۵۸ (بین مقیاس ایدئولوژی و مقیاس عقلانی) تا ۰/۳۶ (بین مقیاس‌های تجربی و پیامدی) به دست آوردند. آزمودنی‌ها از لحاظ جنسیت، پیوندهای مذهبی (Religious affiliation)، یا عضویت والدینشان در کلیسا مورد مطالعه قرار گرفتند. این پژوهشگران دریافتند که همبستگی بین مقیاس‌های ایدئولوژی و تجربی برای پسران بیشتر از دختران است (۰/۶۰ در مقابل ۰/۳۹). همچنین دانشجویان یهودی کمترین مقدار همبستگی را بین مقیاس مناسکی و پیامدی نشان دادند. به علاوه، در حدود نیمی از ۱۰ همبستگی به دست آمده برای دانشجویانی که والدینشان عضو کلیسا نبودند، معنادار نبود. هرچند که بیشتر همبستگی‌های درونی برای کل گروه دانشجویان (مشمول بر ۳۷۵ نفر) معنادار بود، همبستگی مقیاس‌ها به اندازه‌ای پایین بودند که نمی‌توان از روی آن‌ها چند بعدی بودن اعتقادات مذهبی را تأیید کرد.

مطالعات فالکنر و دیونگ برای اندازه‌گیری ابعاد پنجگانه را می‌توان موردی پیچیده در این حیطه تحقیقاتی به حساب آورد. استارک (Stark) و گلاک (۱۹۶۸) با مختصری تعدیل، ابعاد ارائه شده گلاک را تعریف عملیاتی کردند و آن را به صورت مقیاس درآوردند. در این مقیاس مواد تازه‌ای نسبت به آنچه قبلاً ارائه شده بود گردآوری شده است. این پژوهشگران دریافتند از آنجا که التزام ایدئولوژیکی (Ideological commitment)، یا مقیاس بنیانی، همبستگی بالایی با سایر مقیاس‌ها دارد؛ بنابراین در میان پنج مقیاس مورد مطالعه بهترین

محسوب می شود.

اشکالات مقیاس های چندبعدي:

بسیاری از انتقادهای وارد به ابعاد پنجگانه گلاک و مقیاس فالکنر و دیونگ، به جای تحلیل محتوای سؤالهای پرسشنامه، مبتنی بر الگوهای همبستگی آماری است. هرچند برخی از پژوهشگران همبستگی بین مواد مقیاس ها را در این پرسشنامه کم برآورد کرده اند (لهمن (Lehman)، و شریر (Shriver)، ۱۹۶۸). عده ای دیگر همبستگی بین مقیاس ها را به حدی بالا گزارش داده اند که بتوان فرض چندبعدي بودن این پرسشنامه را مورد سؤال قرار داد (رورباخ (Rohrbaugh) و جزور (Jessor)، ۱۹۷۵). تعدادی از مطالعات مربوط به تحلیل عاملی ابرادهای وارد به مقیاس های چندبعدي را به صراحت بیان کرده اند. کلاتون (Clatton) و گلادن (Gladden) (۱۹۷۴) پاسخ های به دست آمده از دو گروه دانشجویان را، که اکثراً پروتستان بودند، بر مبنای پرسشنامه ۵ بعدی مورد تحلیل عاملی قرار دادند. آنها در یکی از این گروه ها به ۴ عامل و در دیگری به ۵ عامل رسیدند. در هر دو گروه فقط عامل اول یعنی التزام ایدئولوژیکی به روشنی تعریف شده بود. این عامل در یکی از گروه ها حدود ۷۸ درصد و در گروه دیگر در حدود ۸۳ درصد از واریانس مشترک را به خود اختصاص می داد. این یافته ها دلالت بر آن دارند که این عامل مهمترین عاملی است که باید در «سازه مذهبی بودن» بر آن تأکید شود. پژوهشگران چنین نتیجه گرفتند که «مذهبی بودن» اساساً پدیده ای تک بعدی است که التزام ایدئولوژیکی را تشکیل داده و شدت و ضعف آن در تجربه و عمل منعکس می شود.

نتیجه:

همان طور که بازبینی مطالعات مربوط به روش شناسی و ابزارها در قلمرو سنجش نگرش

مذهبی نشان می‌دهد، اغلب این اطلاعات حاصل مطالعات در رابطه با مسیحیت و فرقه‌های پروتستان و کاتولیک است که روی جمعیت‌های مختلف در کشورهای نظیر آمریکا، آلمان، برزیل، کانادا، ایتالیا و لهستان انجام شده‌اند. از آنجا که ابزارهای سنجش موجود فقط در مورد دین مسیحیت کاربرد دارند، تعمیم نتایج به دست آمده به ادیان دیگر خطاست (کینگ و هانت، ۱۹۹۰). از این رو، ضرورت تلاش برای ساخت ابزاری مناسب جهت سنجش نگرش مذهبی مطابق با فرهنگ اسلامی و ایرانی احساس می‌شود. با درک این ضرورت برخی از پژوهشگران به طراحی پرسشنامه‌های سنجش نگرش مذهبی در ایران اهتمام ورزیده‌اند. از اولین پرسشنامه‌های سنجش نگرش مذهبی می‌توان از پرسشنامه علوان‌آبادی (۱۳۵۲) نام برد. این پرسشنامه مبنای فوافکنی دارد و مشتمل بر ۲۰ پرسش کامل کردنی و ۵ پرسش به صورت حکایت است. این پژوهشگر از این پرسشنامه جهت سنجش نگرش مذهبی دانش‌آموزان دبیرستانی استفاده کرده است. سازنده این پرسشنامه، هیچ گزارشی در مورد روایی و پایایی ساخت این ابزار ارائه نکرده است.

پرسشنامه نگرش سنج مذهب که گلریز (۱۳۵۳) آن را تهیه کرده، برداشتی است از مقیاس آلپورت که مشتمل بر ۲۵ پرسش می‌باشد. پایایی این آزمون از طریق همبستگی با آزمون آلپورت، برابر با ۰/۸۰ است. از آن زمان تاکنون تقریباً اکثر مطالعاتی که در زمینه نگرش مذهبی در ایران صورت گرفته از این پرسشنامه استفاده کرده‌اند (از جمله اسلامی، ۷۶-۱۳۷۵؛ طهماسبی‌پور و کمانگیری، ۱۳۷۵).

باتوجه به این که پرسشنامه‌های پیش گفته بیش از ۲۰ سال پیش، به ویژه قبل از وقوع انقلاب اسلامی، ساخته شده‌اند؛ بدیهی است از آن زمان تاکنون دگرگونی‌های قابل توجهی در ساختارها، ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها، ایجاد شده است. همین امر بازنگری در ابزارهای پیشین و ساخت مقیاس‌های کامل‌تر و منطبق با شرایط را ضروری می‌سازد.

خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۷۹) نیز مقیاسی برای اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان تهیه کردند. این مقیاس با این هدف تهیه شد تا هم در ارزشیابی

برنامه‌های آموزش دینی دانشجویان و هم در پژوهش‌های آتی با هدف بنیادی و یا کاربردی به کار رود. این مقیاس از دو قسمت اصلی و تکمیلی تشکیل شده است. قسمت اصلی پرسشنامه شامل چهار ماده یا پرسش و قسمت تکمیلی دارای هفت پرسش کلی به صورت پرسش گمانه‌سنجی است که تصور وابستگان و آشنایان دانشجو را نسبت به رفتارها و نگرش مذهبی او می‌سنجند. در این پرسشنامه میزان پایایی به روش اسپیرمن براون برابر با ۰/۹۳ و به روش گاتمن برابر با ۰/۹۲ بوده و ضریب بالایی آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است که حکایت از پایایی مطلوب این مقیاس دارد. خدایاری و همکاران (۱۳۷۹) بر مبنای یافته‌های پژوهش مذکور دریافتند که پرسشنامه تهیه شده ابزاری مناسب برای سنجش و اندازه‌گیری نگرش‌های مذهبی در گروه دانشجویان است.

مقاله حاضر در پی آن بوده است که ضرورت و امکان مطالعه علمی رفتارها و نگرش‌های مذهبی را به عنوان واقعیتهای موثر و انکارناپذیر با استفاده از ابزارها و شیوه‌های تحقیقی مطرح سازد. در این جهت، بخشی از تلاش‌های محققان و دست‌اندرکاران داخل و خارج از کشور جهت سنجش نگرش مذهبی با ذکر ویژگی‌های مربوط و نتایج عمده به دست آمده معرفی شد. با این وصف، به واسطه وجود وجوه و ابعاد مختلف و عوامل گوناگونی که در این‌گونه تحقیقات به چشم می‌خورد، تأکید بر آن است که علی‌رغم نقش مثبت آن تلاش‌ها در جامعه بشری، باید چنین تلاش‌هایی با ملاحظه شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، اهداف و ضرورت‌ها به کار گرفته شود. همچنین ضرورت دارد که بررسی‌های عمیق‌تری در این زمینه انجام شود و به دور از هرگونه پیشداوری و شتابزدگی به تحلیل و تبیین یافته‌ها و ارائه توصیه‌های بنیادی و کاربردی در این زمینه اقدام شود. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران ایرانی در صدد تهیه ابزاری متناسب با فرهنگ اسلامی باشند که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بوده و بتواند زمینه‌ای برای تحقیقات تجربی باشد.

منابع:

- ۱- احمدی علوان آبادی، سید احمد، مقایسه‌ای در طرز فکر مذهبی کلاس سوم دبیرستانهای، ۱۳۵۲.
- ۲- اسلامی و غیراسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳- اوپنهایم، ان. طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها. ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۴- اسلامی، احمدعلی (۷۶-۱۳۷۵)، بررسی نگرش فرد نسبت به مذهبی بودن و رابطه آن با افسردگی در دانش‌آموزان سال آخر دبیرستانهای اسلام‌شهر در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی.
- ۵- ربر، آرتور، اس. (۱۹۸۵). فرهنگ روانشناسی، تهران: انتشارات رشد، افسست، ۱۳۶۸.
- ۶- خدایاری‌فرد، محمد؛ شکوهی یکتا، محسن؛ و غباری‌بناب، باقر، آماده سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان، مجله روان‌شناسی، شماره ۱۵، سال چهارم، ۲۸۵-۲۶۸، ۱۳۷۹.
- ۷- طهماسبی‌پور، نجف، و کمانگیری، مرتضی، بررسی ارتباط نگرش مذهبی با میزان اضطراب، افسردگی و سلامت روانی گروهی از بیمارستانهای شهدای هفتم تیر، مجتمع رسول اکرم، ۱۳۷۵.
- ۸- گلریز، گلشن (۱۳۵۳). پژوهشی برای تهیه نگرش مذهبی و بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با سایر بازخوردها و خصوصیات شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- 9- Allport, G. W., & Ross, J. (1967). Orientation & Prejudice personal religious. *Journal of personaity and SocialM. Psychology*. 5, 432-443.
- 10- Argyle, M & Hallahmi, B. (1975). *The social Psychology of Religion*. London. University press.
- 11- Brown, L. B. (1965). Religious belief and judgement of brief duration. *Perceptual and Motor Skills*, 20(1): 33-34.
- 12- Brown, L. B. (1987). *The Psychology of religious belief*. London. Academic press Inc.
- 13- Brown, L. B. & pallant, D. J. (1962). religious belief and Social Pressure. *psychological Reports*, 10, 813-84.
- 14- Chave, E. J. (1939). *Measure religion: Fifty-two experimental forms*. Chicago. University of Chicago Book Store.
- 15- Clatton, R. R., & Gladden J. W. (1974). The five dimensions of religiosity: Toward demythologizing a sacred artifact. *Journal for the Scientific Study of religion*. 13, 135-143.
- 16- Cook, S. W. & Selltiz, S. (1964). A mulitple-indicator approach to attitude measurement. *Psychological Bulletin*, 62, 36-55.

- 17- Embree, R. A. (1973). The religious association scale: A follow-up Study. *Journal for the Scientific study of Religion*, 12, 223-226.
- 18- Godin, A. & Coupez, A. (1975). Religious projective pictures: A technique of assessment of religious psychosism. *Lume Vita*, 12 (2): 260-274.
- 19- Gorsuch, R. L. (1984). Measurement: The boon and the bane of investigating religions. *American Psychologist*, 39 (3): 228-236.
- 20- Klausner, C. (1964). Methods of data collention in studies of religion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 3(2):193-203.
- 21- Larsen, L. & Knapp, R. H. (1964). Sex differences in symbolic conceptions of the diety. *Journal of projective Techniques*, 28,303-306.
- 22- Lehman, E. C. Jr. & Shriver, D. W. Jr. (1968). Academic discipline as predictive of faculty religiosity. *Social Forces*, 47, 171-182.
- 23- Leuba, J. H. (1916). *The belief in god and immortality: A psychological anthoropological and statistical study* (2 nd Ed.) Chicago: Open Count, 1921 (First edition 1916).
- 24- Malony, H. N. (1977). *Current perspectives in the psychology of religion*. Grand Rapids. Erdman.
- 25- Murray, H. A. (1938). *Explorations in personality*. New York. Oxford University Press.
- 26- Nunnally, J. C. (1978). *Psychometry Theory* (2 nd ed). New York. McGraw-hill.
- 27- Pallone, N. J. (1966). Religious authority and Social perception. *Journal of Social psychology*, 68, 229-241.
- 28- Rohrbaugh, J., & Jessor, R. (1975). *Religiosity in Youth: A psychoanalitic interpretation of Australian myth and ritual*. New York. International Universities Press.
- 29- Stark, R. & Glock, C. Y. (1968). *American piety: The nature of religious commitment*. Berkeley. University of California Press.
- 30- Thurston, L. L. (1934). The vectors of mind. *Psychological Review*, 41, 1-32.
- 31- Thurston, L. L. & Chave, E. J. (1929). *The measure of attitude: A psychophysical method and some experiments with a scale for measuring attitude toward thechurch*. Chicago. University of Chicago Press.
- 32- Wulff, D. M. (1991). *Psychology of religion: Classic and contemporary views*. New York. John Wiley.